

# کنفٹکو



# احداث منابع آب در مشاعر به دست یک مهندس ایرانی

مصاحبه با دکتر شهرستانی

ایرانیان در گذشته خدمات ارزشمندی در توسعه و یا تعمیر برخی از اماکن مقدس مکه و مدینه داشته‌اند که برخی از تاریخ‌نویسان و یا سفرنامه‌نویسان به ذکر آنها پرداخته‌اند.

یکی از چهره‌های ارزشمندی که در دهه‌های اخیر توانسته آثار بیادماندنی در حرمین شریفین از خود به یادگار بگذارد آقای دکتر محمدعلی شهرستانی است.

ایشان در احداث منابع بزرگ آب در منا و عرفات و مشعر و نیز ارائه طرح‌های نو در رابطه با قربانگاه‌ها و اسکان تعداد بیشتری از زائران در منا نقشی مهم و تعیین‌کننده داشته که برخی از این طرح‌ها به اجرا در آمده و تعدادی نیز متأسفانه اجرا نشده است.

در حج گذشته توفیقی دست داد تا با ایشان گفتگویی داشته باشیم و از زبان خود ایشان، تاریخ حضور در حرمین شریفین و سوابق کارهای عمرانی انجام شده را شنیدیم که بدینوسیله ضمن تشکر از ایشان توجه خوانندگان را به مشروح این گفتگو جلب می‌کنیم:





**مِيقَاتُ:** از فرصتی که در اختیار فصلنامه «مِيقَاتُ حج» قرار دادید. صمیمانه سپاسگزاریم. لطفاً مختصری از شرح حال خودتان برای خوانندگان مجله بگویید.

**آقای شهرستانی:** بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين، درود خداوند بر محمد آتش. محمدعلی شهرستانی، فرزند محمدصالح، متولد کربلا (۱۳۱۱) هستم. رشته تحصیلی ام مهندسی عمران بوده و از دانشکده فنی عراق فارغ التحصیل شدم. پس از آن، برای ادامه تحصیل به انگلستان رفته و دکترا در مهندسی بین المللی، در سال ۱۹۷۸ دریافت کردم.

اکنون در انگلستان رییس دو دانشگاه هستم:

۱. دانشگاه اینترنت‌نشال تکنولوژیکال یونیورسیتی [ITU].

۲. دانشگاه بین‌المللی علوم اسلامی از جامعه العالمیه للعلوم الاسلامیه در لندن.

**مِيقَاتُ:** نخستین بار در چه سالی به حج مشرف شدید، آیا از آن سفر خاطره‌ای دارید؟  
**آقای شهرستانی:** نخستین بار در سال ۱۳۳۷ق. توفیق زیارت خانه خدا نصیب شد. وضعیت آن روز با وضعیت کنونی عربستان، مکه و مدینه تغییر اساسی کرده است. در آن دوران، در همین مدینه خانه‌ای برای سکونت وجود نداشت. ما با گروهی از زائران، در باغی که پیرامون حرم بود ساکن بودیم و بعضی باغ‌ها خانه‌های بسیار کوچکی داشتند که زائران در آن‌ها زندگی می‌کردند.

قبر حضرت رسول ﷺ و مسجد آن حضرت، تنها آن قسمتی بود که با ستون‌های قرمز مشخص شده و در برابر آن حیاطی بود و بس. لیکن اکنون می‌توان گفت که بیش از صد برابر شده است!

در مکه مکرمه هم خانه قابل سکونت یافت نمی‌شد. یادم هست که حتی آب آشامیدنی نبود و از افرادی که سطل‌هایی به دوش داشتند و آب می‌فروختند، می‌خریدیم.

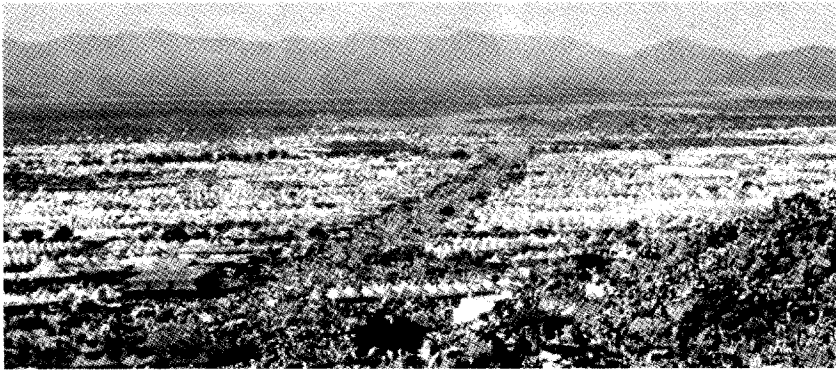
در مکه مکرمه، در جایی موتور برق کوچکی بود و حوض خنک‌کننده‌ای داشت که به آن «برکه» می‌گفتند. مردم برای غسل و استحمام، از آن آب استفاده می‌کردند. امروز بسیار متفاوت با آن دوران است.

یکی از آرزوهای من در سفر اولم این بود که توفیق پیدا کنیم در این شهر مقدس خدمتی انجام دهیم و از ایرانیان خدمتی به یادگار بماند.

نه شبکه لوله کشی بود، نه شبکه زه کشی و نه چیز دیگر و این آرزو و درخواست را، در کعبه مبارکه واقعاً از خدا تمنا کردیم تا این که الحمد لله توفیقاتی بعد از آن نصیبمان شد. بعضی کارها را توانستیم در این سرزمین انجام دهیم. این خاطره از سفر اولم بود.

**میقات:** در آن دوران وضعیت راه‌های عربستان چگونه بود و چه تعداد زائر برای زیارت می آمدند؟

**آقای شهرستانی:** در آن زمان آسفالتی وجود نداشت. راه‌ها خاکی و یا شوسه بود و با سختی از جایی به جایی منتقل می شدیم. یادم هست که وقتی می خواستیم از مدینه به مکه برویم، در کامیون‌های باری می نشستیم، برای این که سرپوشیده نباشد و مقررات و موازین شرعی مراعات شود، در عقب کامیون می نشستیم و تمام شب را راه می رفتیم، برای این که آفتاب در روز سوزان بود و اذیت می کرد.



**میقات:** در سالی که به حج مشرف شدید (۱۳۳۷ ق.) چه تعداد زائر در سرزمین وحی حضور می یافتند و آمار زائران ایرانی به چند نفر می رسید؟

**آقای شهرستانی:** آماری را که از سال اول به یاد دارم و روز بعد از عید منتشر کردند، حدود ۱۲۰ یا ۱۳۰ هزار نفر بود. آمار نشان می داد که زائران ایرانی چه تعداد و عرب چند نفر و بقیه ملیت‌ها چه میزان بودند، ولی الآن آمار آنها را به طور جداگانه در خاطر ندارم.



**مِيقَاتُ:** چند سال داشتید که این سفر نصیبتان شد؟  
**آقای شهرستانی:** ۲۷ ساله بودم.

**مِيقَاتُ:** وقتی از خداوند درخواست کردید که توفیق انجام کاری در راستای خدمت به زائران نصیب شما شود، چند سال بعد موفق شدید فعالیت‌های عمرانی را آغاز کنید و همچنین بفرمایید آیا کسی این پیشنهاد را به شما داد یا خودتان طرح دادید؟  
**آقای شهرستانی:** سفر دوّم در سال ۱۳۵۴ بود؛ سالی که آتش‌سوزی معروف در منا رخ داد. ما در آن سال، در منا شاهد آن آتش‌سوزی بودیم و دیگر ایرانیان و دوستانی که با ما بودند، همگی می‌پرسیدند: چرا این مشکل حل نمی‌شود؟ چرا چادرها تبدیل به ساختمان نمی‌شود؟ چرا وضع راه‌ها اصلاح نمی‌گردد؟ چرا کسی دربارهٔ مشکلات حج؛ مانند راه، سکونت و کشتارگاه نمی‌اندیشد؟

در تهران دفتر مهندسی داشتم و با چند مهندس کار می‌کردیم. از آنان خواستم که روی طرح منا کار کنیم و برای حلّ این مشکلات چهارگانه؛ یعنی مسکن، راه، کشتارگاه و جمرات فعالیتی انجام دهیم، تا طرحی قابل قبول و از نظر فنی مورد پسند تقدیم شود. نزدیک به یک سال روی این طرح کار شد و در سال بعد (۱۳۵۵) باز مشرف شدم و تصمیم گرفتم به کمک دوستانم ملاقاتی با ملک فیصل داشته باشم، وقتی موفق شدم ایشان را ببینم، خطاب به وی گفتم: این گرفتاری و ناراحتی که سال گذشته برای حجاج به وجود آمد، حتماً شما و همهٔ مسلمانان را متأثر و نگران کرد، چرا در این باره گامی برداشته نمی‌شود. ما، در این زمینه طرحی را تهیه کرده‌ایم. در همان لحظه، آلبومی را که آماده کرده بودم و نقشه‌ها در داخل آن بود ارائه کردم. جزئیات طرح به زبان عربی توضیح داده شده بود.

ملک فیصل وقتی طرح را دید، گفت: این طرح نزد من باشد تا در منزل بیشتر مطالعه‌اش کنم. در همان سال بود که ایشان را ترور کردند و من نمی‌دانستم که آیا این طرح به مرحلهٔ اجرا در آمد یا نه؟ ولی در همان سال به ما اطلاع دادند که مؤسسه‌ای به نام «تطویر منی» به وجود آمده است؛ یعنی برتر و بهتر کردن وضع منا، که ظاهراً بر اساس همان طرح، ایشان قبل از ترور شدنشان دستور داده بودند که این کار انجام شود.

آقای امیر متعب مسؤول این کار شد. او اکنون علاوه بر آن پُست، وزارت مسکن و وزارت امور مشاغل عامه را نیز عهده‌دار است.

مدت زیادی نگذشت که ما دفتری در جده تأسیس کردیم. به ما گفتند که طرحی برای سرویس‌های عمومی مکه تهیه شده، اگر شما مایل هستید شرکت کنید و پیشنهاد خود را بدهید.

به دنبال آن پیشنهاد، در بارهٔ طرح به مطالعه پرداختیم و پیشنهاد خود را به آنان ارائه کردیم و آنها با سرعت؛ یعنی در ظرف یک هفته نتیجه را از ما خواستند، بی‌درنگ همان روز دوم و سوم به ریاض رفتیم و قرارداد احداث ۵۱ واحد سرویس عمومی در منا را امضا کردیم. این سرویس‌ها عبارت بود از توالت‌های عمومی که منبع‌های آب روی آن قرار گرفته بود و حمام‌های متعدد، دستشویی‌ها و محل‌های وضو با وضعیت بسیار خوب. با یاری خداوند آنها در مدت حدود ۱۰ ماه ساخته و اجرا شد ولی با کمال تأسف، علمای عربستان بر اساس حدیثی (أرض منی لا تُبَنی علیها) اشکال شرعی گرفتند و گفتند: روی زمین منا نباید بنایی احداث شود و دستور دادند این ساختمان‌ها متوقف و ناتمام بماند! البته فقط قسمت‌هایی که تمام شده بود ماند و بقیه، همه با بلدوزر خراب و برداشته شد. افزون بر سرویس‌های عمومی، درمانگاه‌های متعددی ساخته شد که در ساخت آن، غیر از شرکت‌های ما ایرانی‌ها، شرکت‌های مصری و سعودی نیز حضور داشتند، آنها را هم خراب کردند. تنها واحدهای هلی‌کوپتر باقی ماند؛ چون این واحدها روی ستون‌هایی قرار گرفته بود و می‌گفتند از نظر بهداشتی و درمانی بسیار چیز لازمی است و هلی‌کوپترها باید روی آن بنشینند و آمبولانس‌ها مریض را آورده، با آسانسور به داخل هلی‌کوپتر برسانند و بدینوسیله به بیمارستان ببرند. در سال دوم، خواستند از آن استفاده کنند، لیکن متأسفانه این هلی‌کوپترها وقتی پایین می‌آمد، شدت باد چادرها را می‌خواباند.

پس از این بود که باز به ما مراجعه کردند و گفتند: در این زمینه مطالعه کرده و راه حلی برای این مشکل بیابید. ما هم مطالعه‌ای انجام دادیم و الحمد لله طرح بسیار جالبی ارائه شد که بتواند هوابرگردان داشته باشد؛ یعنی هوا به طرف پایین بیاید و روی اثر نگذارد تا هلی‌کوپترها بتوانند روی این محل بایستند. البته چون در ارتفاع ۱۲ متر



ساخته شده بود، به نظرم آمد که یک طبقه در ارتفاع ۶ متر بسازیم تا فعلاً از آن واحد بتوانند برای کارهای اداری استفاده کنند و بعدها اگر تجربه نشان داد که خوب است، به عنوان واحد مسکونی چند طبقه شود که طبق طرح سابق ما، برای چهار طبقه در نظر گرفته شده بود.

وقتی در سال دوم این کار انجام شد، من در موسم عربستان نبودم ولی تلفنی آگاه شدم که اشکالی پیدا شده و آن اینکه علما می گویند این هم خلاف است و باید خراب شود. به وسیله تلفن به آنان گفتم: در «رابطة العالم الاسلامی» فتوایی هست که اگر روی زمین بنا نشود اشکالی ندارد. وقتی مراجعه کردند، دیدند که چنین است و خوشبختانه موفق شدند که این واحد را نگه دارند، با همین وضعی که اکنون هست.

باید بگویم که در منا، در همان محدودهٔ میان جبلین و میان جمره و وادی مشعر، که حدود منا شمرده می شود، می توان بیش از چهار میلیون زائر را جا داد و آن به این ترتیب است که در طبقات متعدد، به جز طبقهٔ همکف، که پیلوت باشد، می توان اتاق ها و سالن هایی، طبق نقشه هایی که به ایشان دادیم، بسازند و تعدادی زائر را در آن اسکان دهند و این نیز در نظر گرفته شد که بر اساس شیوه های بسیار جدید حتی زباله ها و مواد فرسوده را با دستگاهی بیندازند زیر سطح همکف و کانال ها. تونل هایی نیز در نظر گرفته شد که ماشین ها بیایند و آن زباله ها را جمع کرده، به خارج ببرند، بدون این که بر وضع خود حجاج اثری بگذارد.

**میقات:** این بسیار مهم بوده که شما در آن سال چنین طرحی را به مسؤولان حج عربستان دادید. اگر طبق نظر شما عمل می شد، گنجایش حدود ۴۰۰۰۰۰۰ نفر زائر در منا به وجود می آمد، آیا اکنون اصل آن طرح را دارید یا خیر؟ و بفرمایید که آیا اخیراً هم پیشنهادی داده اید؟

**آقای شهرستانی:** بله، آلبوم آن طرح را که به ملک فیصل دادیم، اکنون موجود است و حتی تمام نوشته ها را داریم و در آن، راه حل ترافیک را هم آورده ایم. همانگونه که مستحضرید، روز عید، زائران بعد از طلوع آفتاب مانند سیل از مشعر به طرف منا حرکت می کنند. با کمال تأسف ماشین های باری و ماشین های متعدد دیگر از میان

همین مردم به حرکت در می‌آیند و این موجب می‌شود که تلفات انسانی زیادی داده شود. اگر کشته‌ای هم نداشته باشد، اذیت و آزار فراوانی به وجود می‌آورد. برای همین، تصمیم گرفتیم که طبقه همکف پیلوتی باشد و مطلقاً ماشین حرکت نکند. در طبقه اول که سه پل اصلی در آن است؛ یکی کنار این سوی کوه، دیگری کنار کوه مقابل و سومی هم در وسط، ولی به عرض ۶۰ متر، فقط ماشین رو باشد. در این صورت می‌توان زائر را حتی با بارها و چمدان‌هایش به آنجا آورد و پیاده کرد و حاجی در این طبقات؛ چه طبقه اول و چه طبقه چهارم راحت می‌توانست وسایل خود را ببرد. ماشین‌ها هم می‌توانستند در آن خیابان ۶۰ متری، دو طرف پارک کنند و زمانی که بارها خالی شد، به سوی مکه بروند. در این صورت، زائر فقط در طبقه همکف حرکت می‌کرد و هیچ‌گونه برخوردی میان او و ترافیک یا ماشین و یا وسایل نقلیه به وجود نمی‌آمد. حتی در روزهای تشریق، هنگام حرکت به طرف جمرات، می‌توانست در سایه، بی‌اذیت و فشار جمعیت رفت و آمد کند و از مشکلات کنونی به‌دور باشد. این طرح را ما مطرح کردیم ولی با کمال تأسف، آنها طرح‌هایی از شرکت‌ها و مؤسسات دیگر؛ مانند شرکت‌های انگلیسی، آمریکایی و حتی ژاپنی گرفته بودند و آنها هم طرح‌هایی داده بودند که دیگر برای قانع کردن مسئولان این بخش توان زیادی لازم بود. آنها با این‌که غیرمسلمان بودند و نمی‌توانستند به حرم بیایند ولی در منا برایشان تلویزیون‌هایی گذاشتند و خود آنان در جده نشسته، حرکت مردم را می‌دیدند و بر اساس آن، طرح‌هایی تهیه می‌کردند.

آقای امیر متعب که خود مسؤول این کار بود، با این‌که به ما توجه و محبت بسیار داشت و همیشه در تمام مجامع عمومی شرکت‌ها اظهار می‌کرد که من تنها به این شرکت اطمینان دارم، ولی وضعیت به گونه‌ای دیگر شد، و ما دیگر نتوانستیم آنان را متقاعد کنیم.

**مقات:** ارتفاع طبقات چه اندازه بود؟

**آقای شهرستانی:** ارتفاع طبقات حدود سه متر بود. در آن واحدهای ۲۰ نفره در نظر گرفته بودیم که سرویس‌های مستقل داشت و حتی آشپزخانه در پشت سر آن بود و وصل





می شد به یک ابزاری که از بالا می توانست تمام فضولات و زباله ها را به طبقه زیرزمین برساند و در زیرزمین ماشین های زباله می توانستند از خارج منا وارد این تونل شده، زباله ها را جمع آوری کنند.

عجیب است که سالیانه مبلغ انبوهی برای تمیز کردن منا هزینه می شود ولی متأسفانه از روز اول، در همه خیابان ها، میان چادرها و... پوست میوه ها و مانند آن به قدری زیاد ریخته می شود که حتی پیمانکار قدرت حرکت ندارد! بعد از این که حجاج رفتند، منا تمیز می شود؟!

**مِيقَاتُ:** شما آن موقع برای مشکل مذبح چه طرح هایی را داده بودید؟

**آقای شهرستانی:** خوشبختانه این طرح نیز بسیار زیبا حل شد. باید گفت تمام این مشکلات و موانع با مناجات و لطف الهی از راه برداشته می شد.

در آنجا دو ورودی در نظر گرفته بودیم؛ یک ورودی از پشت مذبح بود که گوسفندها و حیوانات بزرگ؛ مانند گاو و حتی شتر را در آنجا جمع می کردند و تعدادش نسبت به گوسفند بسیار کم بود. ورودی دیگر برای ورود زائران بود که در جهت عکس قرار داشت. با شبکه ای فلزی بود که زائران می توانستند با دید کامل گوسفند خود را انتخاب کنند و بعد هر کسی می توانست از قصاب بخواهد قربانی اش را ذبح کند و یا خودش ذبح می کرد و لاشه اش را روی کانالی که وجود داشت، به طور کامل می شست و با وسیله شیب داری که گذاشته شده بود، لاشه را به طرف زیرزمین می انداخت.

لاشه ها روی نقاله ها می آمد و باندهای نقاله ها لاشه ها را جلوتر می برد و سلاخی انجام می گرفت و در آخر، گوشت ها به سردخانه هایی که در نظر گرفته بودیم انتقال می یافت و در تونل های فریزر، ۴۰ درجه زیر صفر سرد می شد و تا مدت طولانی می ماند؛ به طوری که می توانستند دو یا سه ماه بعد از حج از آنها استفاده کنند؛ مثلاً همه را قطعه قطعه کرده، در قوطی بگذارند و یا به گونه دیگر به مصرف برسانند. می شود گفت که الآن تقریباً بر اساس همان طرح عمل می شود منتهی طرح ما کامل تر بود. گرچه هنوز هم آن طرح موجود است و می شود ارائه کرد.

**مفتاح:** برای مشعر و عرفات هم طرحی داشتید؟

**آقای شهرستانی:** بله، عرفات از دیر زمان مشکل گرما و آب را داشت و مسؤولان بسیار نگران بودند که از کجا آب بیاورند و نگرانی دیگرشان تهیه وسایل نگهداری و شبکه‌های توزیع آب آشامیدنی و خنک کننده آن بود.

در بررسی‌هایی که خودشان کردند، به این نتیجه رسیدند که آب را از چند چاه عمیق و چشمه، که در فاصله‌های پنجاه، هفتاد، صد و حتی صد و بیست کیلومتری اطراف مکه وجود دارد بیاورند، و آنها منابع مهمی بودند؛ به ویژه چشمه بزرگی در فاصله ۱۲۰ کیلومتر، بر بالای کوه و در ارتفاع ۲۰۰ متری از سطح زمین است. بالاخره ما توانستیم آب را از آنجا به طور طبیعی و بدون پمپاژ به منبع آبی که ساخته شد، برسانیم. مخازن گول پیکر و عظیمی ساخته شد که بتواند آن جمعیت انبوه را تا دو - سه روز تأمین کند.

**اکنون با این که حدود ۲۸ سال از آن تاریخ و از ساخت آن منابعها می‌گذرد، منبع عرفات، آب عرفات را تأمین می‌کند. منبع بزرگ منا، هنوز در ایام حج، آب منا را تأمین می‌کند.**

مسؤولان حج عربستان تصمیم گرفتند منبع‌های فلزی بزرگی را بسازند و در نظر داشتند یک منبع صد هزار متر مکعبی (۲۰ میلیون گالنی) که بزرگترین منبع دنیا بود در منا بسازند و منبع ۵۰۰۰۰ متر مکعبی برای مشعر و نیز منبعی برای عرفات در نظر گرفتند.

دولت عربستان برای ساخت آنها به شرکت آرامکو، که قوی‌ترین شرکت نفتی است، مراجعه کرد، اما شرکت آرامکو معذرت خواست و نپذیرفت. مدیر کل مسؤول تطویر منا از من پرسید که شما می‌توانید این کار را انجام دهید؟ گفتم: بله، با توانایی و با عنایات پروردگار می‌توانیم این کار را بکنیم. در واقع از ما خواسته شد که هم طرح و هم اجرای آن را در ظرف ۸ ماه به پایان برسانیم. آنها خواستند چهار منبع بسازیم؛ یک منبع در عرفات. منبع دوم در مزدلفه و مشعر و منبع سوم و چهارم در منا، که یکی بزرگ و صد هزار متر مکعبی و دیگری هم بیست هزار متر مکعبی در



قله کوه.

ما الحمد لله با عنایت پروردگار و لطف خداوند متعال، طراح‌ی آنها را انجام دادیم. و آهن ورق آن را در ایران، از قراضه در کارخانه قطعات فولادی مان ذوب و تبدیل به ورق کردیم و به اینجا آوردیم و الحمد لله در این مدت، شبانه روز کار شد و به آخر رسید. اینها واقعاً از عنایات و لطف پروردگار و نزدیک به معجزه است. برای این‌که حدود ۱۱۰ کیلومتر جوشکاری داشت که اگر در یک سانت آن اشکالی به وجود می‌آمد، در تماش خلل ایجاد می‌شد و آب نشت می‌کرد. الحمد لله با لطف پروردگار این کار با دست کارگران ایرانی و با کمک همه دوستان فنی ایرانی انجام شد و قراضه‌ها ذوب و به فولاد تبدیل گردید و فولاد به صورت ورق در آمد. حتی دستگاه‌های خم کننده هم در ایران ساخته شد و به اینجا منتقل گردید و سرانجام آن منبع‌ها به اتمام رسید.

ورق اولیه این منبع حدود ۳۵ میلی‌متر بود. سه سانت و نیم ضخامت را اگر تصور کنید، می‌دانید چه نیرویی می‌خواهد تا آن را خم کند! همه اینها با عنایات پروردگار و توجهات حضرت ولی عصر (عج) انجام شد و اکنون با این‌که حدود ۲۸ سال از آن تاریخ و از ساخت آن منبع‌ها می‌گذرد، منبع عرفات، آب عرفات را تأمین می‌کند. منبع بزرگ منا، هنوز در ایام حج، آب منا را تأمین می‌کند. در غیر ایام حج هم به مکه مکره آب می‌رساند.

**میتا:** شما غیر از مکه، برای مدینه؛ مثلاً برای بقیع یا مسجدالنبی نیز طرحی داشتید؟  
**آقای شهرستانی:** باید عرض کنم، با کمال تأسف با وضعی که در محیط مذهبی اینجا سراغ دارم، نسبت به بقیع امیدی ندارم که بتوانم طرحی را بدهم. دادن طرح فایده‌ای ندارد. مگر این‌که درخواستی از کسی یا گروهی بشود.  
 همچنین برای مدینه نیز طرحی ندارم. البته در توسعه قبر حضرت رسول و مسجد پیامبر ﷺ تلاش‌هایی کردیم که مشارکت کنیم لیکن با کمال تأسف شانس‌ی در این زمینه نداشتیم.

**مِقَات:** از کارهایی که حضرت عالی انجام دادید، چه مقدارش الآن باقی است؛ مانند

کارهایی که در منا کردید، مثل باند هلی کوپتر و...؟

**آقای شهرستانی:** همه آن‌ها الآن هست. باند هلی کوپتر همچنان فعال است. ساختمانی هم

که در وسط آن ساختیم، اکنون مرکز وزارت کشور است و تمام کادر مدیریت و به اصطلاح امنیتی پلیس و امور مربوط به تنظیم منا باقی است؛ و چون در منطقه بلندی قرار گرفته، از آن استفاده می‌شود.

ما طرح‌های دیگری نیز اجرا کردیم که آنها هم عمدتاً در منا و مزدلفه بود. مقداری لوله کشی هم در خود عرفات انجام دادیم. شبکه لوله کشی‌های آب آشامیدنی موقت بود که بعد آن را برداشتند و شبکه دومی را به وجود آوردند. با لطف و عنایت خداوند، ما در همه اینها سهیم بودیم و سالیان سال، الحمدلله افتخار تأمین آب آشامیدنی حجاج نصیب ما شد.

**مِقَات:** بعضی معتقدند که در مشعر چون زائر یک شب بیشتر نمی‌ماند، خیلی نمی‌شود

در آنجا کار عمرانی کرد، آیا شما این سخن را می‌پذیرید و اگر قبول ندارید، چه پیشنهادی دارید که مشعر از این وضعیت بیرون بیاید و زائر بتواند همان یک شب را راحت باشد؟

**آقای شهرستانی:** به نظر من مشکل مشعر کمتر از منی است.

اولاً: از نظر عرض و طول خیلی وسیع است، ولی اشکال این است که همه زائران مایلند نزدیک منا باشند تا بعد از طلوع آفتاب، زودتر خودشان را به جمرات برسانند و پیش از شلوغی و ازدحام و قبل از ظهر جمرات را رمی کنند تا بتوانند قربانی را ذبح و از احرام خارج شوند. بنابر این، مردم با ازدحام از مشعر به سوی منا سرازیر می‌شوند.

اینجا است که قسمت بالای مشعر خالی می‌ماند و قسمت پایین بسیار شلوغ و پرتراکم می‌شود. در اثر این تراکم و ازدحام، هم در سرویس‌دهی امور بهداشتی مشکل ایجاد می‌شود و هم نمی‌توان به آب دسترسی داشت و هم استراحت نمی‌شود کرد. این مشکل را باید با خود مردم حل کرد و به امور فنی مربوط نمی‌شود.



این نکته را هم باید اضافه کنم که واقعاً حج یک موسم بسیار عجیبی است. ملت‌های مختلف از سراسر جهان در این سرزمین گردهم می‌آیند و در میان آنان، هم افراد برجسته و دانشمند هستند و هم افراد بی‌سواد و ناآگاه و کم‌فرهنگ. البته جمعیت گروه دوم بسیار بیشترند. افرادی روستایی فرض کنید از اندونزی و مالزی (گرچه کشورهای پیشرفته‌ای هستند) و از گانای آفریقا به این جا می‌آیند و با آن فرهنگ پایین و غیر پیشرفته حرکت می‌کند، روشن است که مشکلاتی ایجاد شود.

بنا بر این، برای حل چنین مشکلاتی به هیچ وجه نمی‌توان از وسایل مکانیکی یا الکترونیکی یا تکنولوژی پیشرفته استفاده کرد. در عمل دیده‌ایم هر وسیله مکانیکی که به کار می‌رود؛ چه به وسیله ما و چه به دست دیگران، و حتی از سوی خود سعودی‌ها، در همان ساعت‌های نخستین، از میان می‌رود. جمعیت آن را خرد می‌کند و فشار آنقدر زیاد است که گاهی دیوارهای بتونی را می‌ریزد.

این مشکل همواره وجود دارد و باید منصفانه گفت سعودی‌ها در این باره کوشش و تلاش خود را می‌کنند ولی به جهت ایجاد ازدحام و پایین بودن فرهنگ مردم، مشکل حل نشده می‌ماند.

چند سال پیش می‌دیدیم که در همین راه‌های منا و همچنین در راه جمرات، چون سایه دارد و جای خوبی است، مردم برای گریز از آفتاب در این مسیرها می‌خوابیدند و واقعا در آمد و شد حجاج برای رمی جمرات مشکل ایجاد می‌کردند.

هر کاری که می‌کردند فایده‌ای نمی‌بخشید. گاهی آب می‌ریختند و زمین را خیس می‌کردند ولی باز مردم می‌نشستند.

تا اینکه اکنون یکی دو سال است که وضع چادرها بهتر شده و تدابیری برای این مسأله اندیشیده شد و در نتیجه وضعیت این راه‌ها کمی بهتر از گذشته است.

**مِيقَاتُ:** در هنگام فعالیت‌های عمرانی، در عربستان ساکن بودید یا آمد و شد داشتید؟ لطفاً در این زمینه کمی توضیح دهید.

**آقای شهرستانی:** من، پسر و دوستان و شرکایم حدود پنج سال در عربستان ساکن شدیم؛ از تاریخ ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ میلادی. چون باید لحظه‌به‌لحظه آن را رسیدگی

می‌کردیم، بنابراین، ناگزیر بودیم تمام این مدت را در عربستان باشیم. لازم است این قضیه را عرض کنم که ما منزلی را در مکه از مدعی العموم اجاره کردیم برای مدتی که در اینجا بودیم. این آقا در هر چند روزی یک بار به ما سر می‌زد و ما میهمانش می‌کردیم و با هم به صحبت می‌نشستیم. او روزی گفت: گزارش‌هایی که از سوی مسؤولان امنیتی و پلیس آمده، نشان می‌دهد که بهترین گروه‌ها و بهترین مردمی که در اینجا کار می‌کنند، ایرانی‌ها هستند! این مطلب برای من خیلی جالب بود و البته طبیعی هم بود؛ زیرا پلیسی که در کنار خانه، برای کنترل ما گذاشته بودند، می‌دید که هر روز صبح کارگران و مهندسان ایرانی با احرام از خانه خارج شده برای انجام عمره می‌روند و دنبال عبادت‌اند.

نکته دیگر اینکه وقتی ما منبع‌ها را ساختیم و به پایان رساندیم، در حج همان سال آقای امیر متعب به سفیر کشورمان گفت: ایرانیانی که این تأسیسات را ساختند، نه تنها آبرو برای شما بودند، بلکه آبروی ما را هم حفظ کردند.

چون که سعودی‌ها در سالهایی که ما منبع‌ها را می‌ساختیم و برای تأمین آب فعالیت می‌کردیم، پادشاهان یا رؤسای جمهوری یا شخصیت‌های دیگر را می‌آوردند و برای آنان توضیح می‌دادند که ما امسال می‌خواهیم آب مشاعر را تأمین کنیم و... با عنایات و لطف خدا، ملت صادق و با ایمان ایرانی فعالیت کردند و اثر خوب و بسیار جالبی بر جای گذاشتند.

**میقات:** اشاره داشتید که وقتی شما به حج مشرف شدید، در اینجا ساختمان مناسب برای سکونت نبود، تحولاتی که از آن زمان تا کنون در حج‌گزاری ایرانیان به وجود آمده؛ یعنی از حج قبل از انقلاب اگر نکات برجسته‌ای به ذهنتان می‌رسد، بفرمایید.

**آقای شهرستانی:** این امر مسلم است که تا درخواست نباشد توسعه به وجود نمی‌آید و پیشرفت حاصل نمی‌شود. خوشبختانه چون ایرانیان بسیار منظم و مرتب و درخواست‌کننده مسکن خوب و استاندارد بودند و پول خوبی هم می‌دادند، این سبب شد که افراد ثروتمند و زمین‌دار در مکه و مدینه واحدهای جالب، زیبا و در حد استاندارد بالا بسازند. بدیهی است که اگر ساختمانی جالب باشد راحت‌تر می‌توان اجاره داد و اگر



جالب نباشد کمتر مورد توجه اجاره‌کنندگان قرار می‌گیرد.

متأسفانه گروه‌های آفریقایی یا غیرآفریقایی فقیر، دنبال چنین مکان‌هایی نیستند. وجود ایرانی‌ها، به‌خصوص بعد از تشکیل جمهوری اسلامی، که کارها روی روال مذهبی، ایمانی و اعتقادی بیشتر قرار گرفته بود، طبیعی است به امر حج اهمیت بیشتری داده شد و چون درخواست‌ها و توقعات بالا رفته بود، این سبب شد که ساختمانهای متعدّد و جالبی ساخته شود و این بیشتر به دلیل درخواست ایرانی‌ها بود و گاهی هم غیرایرانی‌ها؛ مانند مصری‌ها و... ولی همه می‌دانند و اذعان دارند استاندارد را که ایرانی می‌پذیرند با استانداردهای دیگر تفاوت دارد و نیز مقدار ساختمانی را که ایرانی‌ها می‌خواهند هم نسبتش به مراتب از دیگران بیشتر و بهتر است.

**مِيقَاتُ:** در سفرنامه‌ها هست، حجاجی که برای زیارت خانه خدا می‌آمدند، با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شدند؛ مانند نبود بهداشت و محل‌های مناسب. و یا گاهی متأسفانه حساسیت‌هایی میان شیعه و سنی وجود داشت که اینها را اذیت می‌کردند یا اینکه در راه‌ها ناامنی به وجود می‌آمد و به زائران حمله می‌شد و... شما در سال‌هایی که می‌آمدید، با مشکلاتی مواجه می‌شدید؟

**آقای شهرستانی:** اختلاف فرهنگ در آن زمان، بسیار بیشتر از الآن بود؛ هم فرهنگ مذهبی و هم فرهنگ عمومی. در امور مذهبی باید گفت که اینها افرادی بسیار متعصب به مذهب و تابع محمد بن عبدالوهاب بوده و هستند. لذا در آن سال‌ها فشارها به مراتب سنگین‌تر و بیشتر بود. حتی با کمال تأسف یکی از ایرانیان (مرحوم ابوطالب یزدی) را گردن زدند، به این عنوان که در کعبه تهوع کرده و مدعی شدند که نعوذ بالله، نجاست آورده و... تعصب مذهبی شدید بود و بسیاری از مردم و ماها همه با تقیه به حج می‌آمدیم. ولی الآن می‌بینید که الحمد لله چنین نیست.

واقعیتی که وجود دارد این است که اینها بادیه‌نشین بودند و پیشینه شهرنشینی ندارند؛ به‌خصوص نجدی‌ها. لذا فرهنگ آنها فرهنگ بیابان‌نشینی بود و من خوب به یاد دارم که در سفر اول، روزهای نزدیک به حج، گروه‌هایی از همین بادیه‌نشین‌ها و بیابان‌نشین‌ها با لباس‌های چرک و کثیف و متعفن می‌آمدند. زن و مرد دست به دست

هم می دادند و مانند رقص گروهی، میان صفا و مروه حرکت می کردند. شما تصور کنید این فرهنگ با فرهنگ امروز چه اندازه تفاوت دارد!

**مِيقَاتُ:** آن زمان وضعیت میقاتها چگونه بود؟ از وضع مسجد شجره یا جحفه در آن روز کمی توضیح دهید.

**آقای شهرستانی:** در سال‌های گذشته، شیعیان سعی می کردند که اول مدینه بیایند، برای این که احرام در مسجد شجره متفق علیه و بدون اختلاف بود. لذا در مسجد شجره محرم می شدند و راهی مکه می شدند، ولی افرادی که به اول مدینه نمی رسیدند، گرفتاری‌های زیادی برایشان پیش می آمد. ماشین اجاره می کردند تا به جحفه بروند. راه را بلد نبودند و دلیل و راهنمایی نداشتند. گاهی افرادی با عنوان دلیل پولی می گرفتند و زائر در راه گم می کردند ولی اکنون وضع بسیار فرق کرده است. انسان امروز وقتی آن روزگار را به یاد می آورد، از برنامه ریزی خوب و نظم در امور حج واقعاً احساس لذت می کند.

**مِيقَاتُ:** در باره نام‌های اطراف دو صحن مسجدالنبی، تاریخچه‌ای در ذهنتان هست. اینها از چه زمانی نوشته شده، چه کسی آنها را آورده و به این شکل نصب کرده است؟

**آقای شهرستانی:** بخشی از مسجد پیامبر ﷺ، همانگونه که می دانید مربوط به زمان خود آن حضرت است؛ همان قسمتی که دارای بقعه دارد؛ «مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مِئْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ». قسمتی هم در زمان عمر توسعه داده شد. بخش دیگری را وقتی عثمانی‌ها آمدند توسعه دادند و آنچه من به یاد دارم، در سفر اولم همان توسعه عثمانی بود. در آن زمان، حیاط جلو مسجد، حیاط بازی بود که الآن سایه بان و چتر دارد و در اطرافش نام‌های ائمه اطهار نقش بسته است. به نظر می رسد که فردی زبده، خیر، مؤمن و خداپرست و دوستدار اهل بیت در میان عثمانی‌ها بوده و توصیه کرده که این نامها را در آن محل‌ها نقش ببندند؛ من ندیده‌ام ولی شنیدم که زمانی در همین مکه مکرمه در هر گوشه‌ای از گوشه‌های آن، یکی از مذاهب چهارگانه نماز می گزاردند ولی حالا یک





امام جماعت دارد. معروف است که در آن وقت مرحوم آقامیرزا مهدی بحرالعلوم یکی از شاگردان برجسته و حید بهبهانی به مکه آمد و به عنوان فقیهی مسلمان، مدتی در این شهر ساکن شد و حلقات درس داشت. او ضمن درس‌هایی که می‌داد، بسیاری از معارف اهل بیت را به افراد آموخت.

لازم است بدانیم که حجازی‌ها، که اهالی مکه و مدینه باشند، محبت اهل بیت را در دل دارند و واقعاً از نظر اخلاقی و خوی و صفت، انسان اینها را آدم‌های پیشرفته می‌بیند. بسیار فرق دارند با نجدی‌ها؛ چون در زمان حج، غیر از حجاز، افراد دیگری را از نجد می‌آورند تا یاری‌شان کنند.

می‌خواهیم بگوییم که محبت اهل بیت در میان اهالی مکه وجود دارد و اکنون موقوفات بزرگ و مهمی هست که مال اشراف و سادات علوی بوده و خاندان اشراف و شریف حسین، پیش از سعودی‌ها، از خاندان اهل بیت بوده است. بنابراین، اکنون آثاری که ما در این سرزمین می‌بینیم. ممکن است از همان افراد معتقد و پای‌بند به محبت اهل بیت باشد.

**میقات:** جناب آقای دکتر شهرستانی! در باره شیعیان آن زمان مدینه، که احیاناً در مکه بودند، چیزی به خاطر دارید؟ در آن زمان وضعیت نخاوله و برخورد با آنان چگونه بوده است؟

**آقای شهرستانی:** در مدینه تعداد شیعیان، حدود بیست تا بیست و پنج هزار نفر بودند ولی الآن می‌گویند به حدود پنجاه هزار نفر می‌رسند. اینها شیعیان تمام‌عیار و در اصطلاح، شیعه‌های اثنی‌عشری اصولی بودند و در اینجا زندگی می‌کردند ولی چون اصیل بودند؛ یعنی مال همین زمین بودند و به ایمان خودشان واقعاً پابند بودند. آنان توانستند وجود خود را در میان سنی‌هایی که اطرافشان بودند، بلکه در بین وهابی‌هایی که اطرافشان بودند، حفظ کنند، ولی با کمال تأسف، به دلیل این‌که اولاً آنان را به مدارس راه نمی‌دادند، ثانیاً از نظر اقتصادی هیچ کاری در اختیارشان گذاشته نمی‌شد، مردمان فقیر و ضعیف و تهی‌دست بودند. باغات محدودی را داشتند از درآمد خرمای آن درخت‌ها استفاده می‌کردند. وقتی موسم حج می‌شد، اینها دسته‌دسته و درگروه‌های

چهار نفری، پنج نفری می آمدند جلوی کاروانها و با این کاروانها صحبت می کردند درد دل می کردند و حجاج ایرانی به آنها کمک می کردند محبت می کردند. همه گونه اظهار لطف به ایشان می کردند؛ چه مادی، چه معنوی. الآن با لطف خدا به دلیل این که شهر چون بزرگ شد، باغهای آنان ضمن شهر شد و زمین ها قیمت های سرسام آوری را پیدا کرد؛ لذا وضع بسیاری از آنان الآن بسیار خوب است و از نظر اقتصادی دیگر ناراحتی ندارند ولذا آنچه را که آن زمان می دیدیم، از این آقایان نخواهیم که می آمدند با گروه های ایرانی درخواست کمک می کردند چیزی دیده نمی شود.



**مِيقَاتُ:** در بقیع و أحد، ساختمانهایی ساخته و دیوارکشی جدید کرده اند. وضعیت قبرها تا الآن، از سالی که شما برای اولین بار مشرف شدید، یکسان است یا خیر؟  
**آقای شهرستانی:** پیش از این، قبرها وضعیتی ناراحت کننده داشت. کثیف و غیر مناسب بود. دیوار کوتاهی هم اطراف آنها بود. با گل ساخته شده و راهها همینگونه بود که امروز هست. مانند قبرستان ترک شده و فرسوده ای که در شهری قدیمی وجود دارد. الآن الحمد لله این راهها همه سنگ فرش، مرتب و محدود شده اند. قبرها تا حدی معلوم و مشخص است. خیلی فرق است میان آنچه بود و آنچه الآن هست.

**مِيقَاتُ:** اخیراً شنیده ایم که حضرت عالی در کاظمین و بعضی شهرهای دیگر عراق هم اقدامات بسیار خوبی انجام داده اید. اگر ممکن است مقداری از کارهای خود در آن



اماکن مقدس توضیح دهید.

**آقای شهرستانی:** با لطف خداوند و عنایات پروردگار، در واقع ما بعد از توسعه حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در مشهد و برداشتن آن دیواری که میان مسجد بالاسر و ضریح بود، یکی از آقایان اهل علم به نام آقا شیخ محمدحسین مؤید از من خواست همان کاری که در مشهد و خراسان انجام شده را در کاظمین برای قبر امام موسی بن جعفر و امام محمد جوادی علیهما السلام انجام دهید. چون این تنگنایی است میان ضریح و ستونی که دو گنبد را بر می‌دارد، در وقتش آمدم و طرحی را تهیه کردم و مطالعاتی را انجام داده، تقدیم کردم، ولی وزارت اوقاف مخالفت کرد. بعد گروه‌های مهندسی تشکیل شد. همه نظر دادند که می‌توان این کار را انجام داد، ولی متأسفانه وقتی خواستیم شروع کنیم، جلوی ما را گرفتند و وزارت اوقاف مانع فعالیت ما شد. لذا روز شماری می‌کردیم که در عراق وضع تغییر یابد تا این‌که بتوانیم باز هم موفق شویم در قبر امامین جوادین علیهما السلام کاری را انجام دهیم که یادگار بماند.

در سال گذشته، وقتی آمدم، دیدم که متأسفانه وضع مانند گذشته است. از مسئولان، به‌خصوص جناب آقای آیت الله آقا سیدحسین صدر خواستم که اگر اجازه دهند، ما این توسعه را انجام دهیم. خوشبختانه همان شب دستور دادند که ما را ببرند به حرم و وضع را با دقت ببینیم و از روز دوم، کار را آغاز کنیم.

کاری که کردیم این بود که برای این‌که زوآر همیشه حرکت داشته باشند و هنگام زیارت متوقف نشوند، از بام شروع کردیم و در داخل ستونها تونل کشیدیم و بتون ریختیم و پل بتون آرمه کنسولی ساختیم که بتواند با وزنه سنگینی که در پشت سرش دارد، گنبد را تحمل کند. بعد از این‌که این کار انجام شد، شروع کردیم به برداشتن این دو ستون و فعلاً با عنایت پروردگار و توجهات دو امام علیهما السلام، این کار به خوبی انجام شد و زوآر می‌توانند به راحتی حرکت کنند. اگر جمعیت حتی ده برابر شود، به راحتی و بدون ازدحام حرکت می‌کند. لذاست این توفیق هم با لطف خدا و عنایات پروردگار نصیب ما شد.

یکی از گرفتاری‌های اساسی زوآر محترم امام حسین علیه السلام در کربلا؛ اعم از عرب، ایرانی و غیر ایرانی، وقتی به شهر می‌آیند با کمبود واحدهای بهداشتی مواجه می‌شوند

از اول هم در مضیقه بودند. بنا به دستورات مرجعیت و کمک بعضی از خیرین ایرانی قرار شد که ما، واحد بزرگی که شامل حدود چهارصد واحد توالت و سیصد محل وضو باشد و به‌طور کامل و مدرن به نحوی که در سطح بهترین واحدهای دنیا مقایسه شود، انجام دهیم؛ با دو فرض، یک این که زوار از جهت تطهیر بتوانند در آسایش باشند. دوم این که نوع و سطح کار ایرانی را در آنجا ارائه کنیم و ببینند که ایرانیان چقدر علاقه و ارادت به این آستان مقدس دارند و امکانات و پیشرفت‌های فنی آنها از سطح جهانی کمتر نیست، لذا با این دو هدف این واحدها آغاز شد. امیدواریم که در اربعین امسال از آن بهره‌برداری شود. گرچه وضع امنیتی تعریف ندارد و ناراحتی‌هایی وجود دارد، ولی ما توانستیم با به‌طور شبانه‌روز کار کنیم و از خود سیدالشهدا کمک خواستیم اتمام این برنامه.

این برنامه در نظر آقایان؛ چه متبرعین ایرانی و چه مرجعیت، این است که فقط به کربلا اختصاص نیابد، بلکه در کاظمین و سامرا هم اجرا شود. در نجف بلکه در راه‌های میان شهرهای مذهبی هم چنین واحدی ساخته شود که زوار قبل از وارد شدن به حرم، به آنجا بروند و استراحت و تطهیر کنند و وضویی بگیرند و باطهارت و شادابی به حرم مشرف شود. در صدد هستیم دنبال زمین برویم، امیدواریم که خداوند عنایت کند و اینها هم اجرا شود.

**میقات:** اکنون پرسش آخر را طرح می‌کنیم، آقای دکتر! چند سال دارید و اهل کدام یک

از شهرهای ایران هستید و چند فرزند دارید؟

**آقای شهرستانی:** پیشتر گفتم که در سال ۱۳۱۱ و در کربلا متولد شدم و در سال ۱۳۳۷،

بعد از اولین انقلابی که شد، هجرت کریم به ایران. حدود هفت، هشت سال ساکن مشهد بودم و توفیق یاری‌ام کرد در حرم حضرت رضای علیه السلام کارهایی را انجام دهم. پس از آن، به تهران منتقل شدم و از آن زمان به بعد در تهران ساکن هستم. البته از آنجا که معتقدم باید پیام و رسالتی به کشورهای دیگر نیز داشته باشیم، لذا بسیار سفر می‌کنم تا شاید بتوانم از نظر مذهبی و اعتقادی کاری انجام دهم. و کارهایم را را توأم با کارهای فنی می‌کنم که آن کارهای فنی بتواند ارائه‌کننده توانایی یک ایرانی شیعه باشد.



اجداد ما از شهرستانک اصفهان هستند. میرزا اسماعیل شهرستانی آخرین فرد از خاندان ما در ایران بوده. میرزا مهدی شهرستانی، بعد از منقرض شدن حکومت صفوی (حدود ۱۰۰۰ هجری) به کربلا هجرت می‌کند و مشغول تحصی علوم دینی می‌شود. در آن زمان مکتب آخباری‌ها رونق پیدا می‌کند و مرحوم آقا شیخ یوسف بحرانی صاحب الحدائق، ریاست حوزه کربلا و همچنین ریاست حوزه‌های علمی شیعیه را در منطقه داشته است. شخصی به نام وحید بهبهانی در زمان ایشان مطرح گردیده و پیرو مکتب اصولی می‌شود و معروف است که می‌رود روی بام یکی از ایوان‌های صحن سیدالشهدا و فریاد می‌زند «أَنَا الْمُجَدِّدُ رَأْسُ أَلْفِ سَنَةٍ»، مردم را دور خودش جمع می‌کند و مکتب اصولی را ترویج می‌کند و پس از آن، شاگردان برجسته‌ای تربیت می‌کند، به طوری که وقتی می‌خواهد فوت کند، از ایشان سؤال می‌کنند که پس از شما به چه کسی مراجعه کنیم ایشان می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِهَ الْمَعَادِ الْأَرْبَعَةِ» نام چهار تا از شاگردان برجسته ایشان مهدی بوده؛ میرزا مهدی شهرستانی، میرزا مهدی بحرالعلوم، میرزا مهدی نراقی و میرزا مهدی شهید.

لذا بعد از فوت مرحوم وحید بهبهانی، میرزا مهدی شهرستانی در کربلا می‌ماند، میرزا مهدی بحرالعلوم مدتی از عمر خود را در مکه سپری می‌کند و بعد به نجف برمی‌گردد و میرزا مهدی نراقی و شهید به ایران مهاجرت می‌کنند. بنابراین، فامیل شهرستانی از هزاره هجری تا حالا در کربلا بوده‌اند.

